

بودجه‌ریزی دولتی و بازاری‌سازی آموزش عالی

(مطالعه موردی: دانشگاه شیراز)

روح‌اله شهنازی

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه شیراز

علی اکبری^۱

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی دانشگاه شیراز

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۷، شماره دو: ۸۱-۱۱۰

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

دریافت ۹۹/۱/۳۰

پذیرش ۹۹/۹/۲۷

چکیده

بازاری‌سازی یکی از مهمترین تحولات آموزش عالی دنیا در دهه‌های اخیر است. بازاری‌سازی آموزش عالی در ایران نیز بعد از انقلاب شروع شده و روندی صعودی داشته است. یکی از معیارهای این بازاری‌سازی روند تدوین و تخصیص بودجه دولت در حوزه آموزش است. تحلیل عملکردی تدوین و تخصیص بودجه آموزش عالی در ایران نشان می‌دهد از دهه هفتاد به بعد، بودجه‌ریزی دولتی در حوزه آموزش عالی در راستای سیاست‌هایی نئولیبرالی بوده است. این پژوهش با روشی کیفی و بر اساس تحلیل اسناد به بررسی بودجه‌ریزی دولتی در حوزه آموزش عالی با مطالعه موردی دانشگاه شیراز پرداخته است. برخی از نتایج حاصل شده نشان می‌دهد: ۱. اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای همواره کاهش پیدا کرده است، ۲. هزینه‌های پرسنلی بخش عظیمی از بودجه جاری را شکل داده و سهم صعودی داشته‌اند، ۳. هزینه‌های پژوهشی و تحقیقاتی روندی نزولی داشته‌اند و ۴. خدمات رفاهی همواره محدود شده‌اند. همه این نتایج نشانه‌های کاهش اهمیت آموزش عالی در بودجه‌ریزی کشور و تلاش در راستای سوق آن به سمت بازاری‌شدن است.

کلمات کلیدی: بودجه آموزش عالی، بازاری‌سازی، دولت، نئولیبرالیسم، دانشگاه شیراز.

مقدمه

بررسی منابع مالی قدیمی‌ترین مراکز علمی و دانشگاه‌های جهان، چه در جهان اسلام و چه در غرب از جمله دانشگاه آکسفورد انگلستان که قدمت آن به سال ۱۱۶۷ میلادی بر می‌گردد، نشان می‌دهد منابع تأمین مالی این دانشگاه‌ها مبتنی بر وقف، کمک‌های دولتی و یا ثروت افراد ثروتمند و ذی‌نفوذ بوده است (Foskett, 2010). از اواخر دهه ۱۹۷۰ سیاست‌های بازاری‌سازی سبب تحول در مدل‌های مدیریتی و تأمین مالی دانشگاه‌ها به تقلید از شرکت‌های خصوصی و عمومی حاضر در بازار شد (Furedi, 2010). دانشگاه‌های امریکایی اولین دانشگاه‌های بازاری‌شده جهان هستند ولی در حال حاضر انگیزه بازاری‌سازی در دانشگاه‌های اروپایی در جهت دستیابی به استقلال مالی همانند دانشگاه‌های امریکایی در حال گسترش است (Brown, 2010). همچنین در کل دنیا دانشگاه‌ها تا حدی بازاری شدن را تجربه کرده‌اند، حتی در چین نیز به دانشگاه‌ها اجازه داده شده در بازار درآمدزایی کنند (Barnrtt, 2010).

در ایران چارچوب سازوکارهای دولتی بعد از انقلاب را بسیاری از متفکرین با سازوکارهای نئولیبرالیسم تحلیل کرده‌اند (آبراهامیان، ۱۳۹۴؛ بهداد و نعمانی، ۱۳۸۷؛ مالجو، ۱۳۹۶). کاهش و حذف مقیاس خدمات رفاه اجتماعی همواره یکی از بنیان‌های اقتصاد مبتنی بر نظام بازار است و چنین امری خویش را در بودجه‌ریزی نمایان می‌سازد که دولت‌های نئولیبرال بودجه بخش رفاه اجتماعی را در بخش‌های گوناگون از طریق سیاست‌گذاری مستقیم دست‌کاری می‌کنند. بودجه آموزش ذیل بودجه امور اجتماعی قرار دارد و اغلب در سال‌های پس از سیاست‌گذاری تعدیل ساختاری بخش آموزش با کسری بودجه مواجه بوده است. نگاه دولت در این بخش تحت تأثیر سازوکارهای نظام بازار بودجه آموزش را توزیع کرده است و تحلیل آن روندهای خاصی را عیان می‌کند.

روند کاهش سهم هزینه‌های آموزش از کل بودجه نشانی از نگاه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور است که ترجیح داده‌اند سهم بودجه این بخش کاهش یابد در حالی که این بخش از نظام آموزش عالی در بعد تعداد مؤسسه‌های و مراکزهای آموزش عالی تحت نظر وزارت علوم رشدی دو برابری را تجربه کرده‌اند، از سال ۱۳۸۵ تا پایان دولت دهم تعداد مراکز

از ۱۳۰۰ به حدود ۲۵۰۰ مرکز افزایش پیدا کرده‌است. همچنین تعداد دانشجویان کشور از دو میلیون و ۴۰۰ هزار با افزایش حدود دو برابری به بیش از چهار میلیون و نیم در سال ۹۲ رسید. دولت‌های نئولیبرال امور آموزشی را به مثابه کالایی سرمایه‌ای قلمداد نمی‌کنند و در این ساحت همچون دیگر بخش‌ها نقش خویش را محدود کرده‌اند و بنابراین وظایف عملی این حوزه را به بخش خصوصی محول کرده‌است. زمانی که هر کالایی از این درجه دیده شود جزو کالاهای مصرفی است و آموزش هم از این قاعده مستثنی نیست. در این حوزه به اندازه پرداخت هزینه‌های آموزشی می‌توان از آن استفاده کرد. سرچشمه چنین چشم‌اندازی در دولت است که امور آموزشی را با نگاهی هزینه‌ای اداره می‌کند به سبب آنکه بودجه امور آموزشی زیرشاخه بودجه عمومی است و به عنوان هزینه سالانه در نظر گرفته می‌شود و نگاهی سرمایه‌گذارانه به آن ندارد.

کاستن از نقش دولت در امور آموزشی از هدف‌های مهم نئولیبرالیسم است که نام دیگرش هم خصوصی‌سازی آموزش است. چنین چشم‌اندازی برای جامعه پیامدهای گوناگونی در پی دارد که همین رویکرد دولت بانی آن است، کاهش اختیارات در مواردی چون نابرابری آموزش، عدالت آموزشی، فقر، طرد اجتماعی و در نهایت بازتولید طبقاتی نقش اساسی دارد. ضرورت تحلیل بخش آموزش در ایران و نگاه دولت از این منظر اهمیت دارد. از ابتدای فعالیت‌های در راستای تعدیل ساختاری در ایران که به نوعی جریانی نئولیبرالی هم هست، این شکل اقتصادی بیشتر بر جامعه ایران سیطره یافته‌است. چارچوب سیاست‌گذاری در طی این سالها به گونه‌ای بوده‌است که هزینه‌های بخش عمومی جامعه کاهش داشته‌اند که یکی از اهداف اصلی این مدل اقتصادی است. سازوکارهای چنین مدلی در قالب قوانین از بالا به بخش‌های مختلف دیکته شده‌است و راهی جز انجام و اطاعت از آنها برای دولت‌ها و مجلس نمانده‌است چون اختیار کنارگذاشتن آن را ندارند. کسری بودجه در بخش آموزش و یا کاستن از سهم آن در طی سال‌های متوالی نتیجه همین روند است.

در ایران بسیاری از پژوهشگران آموزش و سازوکارهای نظام بازار را مورد ارزیابی قرار داده‌اند و سعی در روشن کردن ابعاد گوناگون آن داشته‌اند. کریمی و همکاران (۱۳۹۸) در

«سیطره نظام بازار بر نظام آموزش عالی ایران» به این پرداخته‌اند که بعد از تحولات پساجنگ آموزش تحت سیطره منطق بازار قرار گرفته است. رقابت، خصوصی‌سازی، شرکتی‌شدن، تجاری‌سازی، فروش دانش به مثابه کالا و در نهایت تأکید بر انسان کارآفرین از چنین سازوکاری نشأت گرفته است. مدرک‌گرایی و همگرایی دانش و دانشگاه به بازار از پیامدهای آن است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸). اباذری و پرنیان (۱۳۹۴) در روندی تاریخی شکل‌گیری نظام بازار را در نظام آموزش ملهم از ایده‌های مکتب نیاوران تا ایجاد رشته مهندسی سیستم‌های اقتصادی اجتماعی و مدیریت (MBA) از نظر گذرانده‌اند.^۱ پژوهشگران فعالیت‌ها و مصاحبه‌های آنان را مورد پایش قرار داده‌اند تا ابعاد فعالیتشان را مشخص سازند. مالجو (۱۳۹۴) در «کالایی‌سازی آموزش عالی در ایران» کوشیده تا نشان دهد دولت در ایران با گسست از قانون اساسی مقدمات کالایی‌سازی آموزش را مهیا کرده است. دولت در حوزه آموزش عالی عقب‌نشینی اقتصادی را برگزیده است اما همچنان کنترل مدیریتی را تا حد زیادی در اختیار دارد و بخش بزرگی از آموزش عالی در سالهای پس از جنگ به کالا (از طریق خصوصی‌سازی) تبدیل گشته است. کریمی (۱۳۹۳) در «صنعت آموزش» به دنبال نشان دادن تأثیر منطق نظام بازار در آموزش است. وی صنعتی شدن آموزش در چارچوب مؤسسه‌های کمک آموزشی را که به موازات نظام رسمی آموزش شکل گرفته‌اند، مورد نقد قرار می‌دهد. این در واقع شکلی معیوب از گفتمان موفقیت است که با کالایی‌شدن و خصوصی‌شدن آموزش همبسته است. کاظمی (۱۳۹۴) در «مک‌دونالیزه‌شدن دانشگاه» به این می‌پردازد که دانشگاه به پدیده‌ای چون یک ذائقه^۲ بدل شده است. هر کس دوست داشته باشد می‌تواند به دانشگاه برود و مدرک بگیرد. به عبارت دیگر دانشگاه مانند فست‌فودی‌ها شده است که بر اساس اصولی ساده، سریع، محاسبه‌پذیر، پیش‌بینی‌پذیر و پولی می‌توان مدرک خرید.

در سطحی دیگر پژوهش‌های مانند صادقی بروجنی (۱۳۹۵)، میرکاظمی (۱۳۹۷)، محدثی (۱۳۹۷)، آبراهامیان (۱۳۹۴)، بهداد و نعمانی (۱۳۸۷)، مالجو (۱۳۹۶)، احمدی‌آمویی (۱۳۸۴) و

۱ مکتب نیاوران گروهی از دانش‌آموخته‌های طرفدار نظام بازاراند و تلاش کردند سازوکارهای چنین نظامی را پیاده کنند. آنها در طی سالهای متوالی آنان در سیاست‌گذاری‌های کلان نقش داشته‌اند.

بسیاری دیگر آثار روند نئولیبرالیسم در ایران را از منظرهای گوناگون بررسی کرده‌اند تا نشان دهند که سازوکارهای چنین نظامی چگونه در سطح جامعه عمل می‌کنند. بر این اساس چنین سازوکاری (نظام بازار) پیامدهایی خاص را در پی دارد. دولت در چنین سیستمی شیوه عمل متفاوتی دارد و از طریق سیاست‌گذاری‌هایش می‌توان آنها را کشف کرد. بر همین مبنا بودجه و میزان تخصیص آن را بایستی در چنین بستری تحلیل کرد. مطالعات قبلی در حوزه نظام آموزش کمتر به چنین بعدی پرداخته‌اند و بودجه‌ریزی دولتی را به طور خاص مورد تحلیل قرار نداده‌اند. به همین سبب هدف این پژوهش مطالعه موردی دانشگاه شیراز بر چنین بستری است و سعی دارد معیارهای بودجه را در طی سالهای مختلف مورد تحلیل قرار دهد که چه تفاوت‌هایی پیدا کرده است. لذا پژوهش در پی یافتن پاسخ سوال‌های ذیل است:

- روند بودجه دانشگاه شیراز در طی سالهای مختلف چگونه بوده است؟
- کدام بخش‌های بودجه تفاوت‌های زیادی پیدا کرده‌اند؟
- نسبت تغییرات با روند نئولیبرالیسم چیست؟

در این راستا ادامه مقاله شامل چهار بخش می‌شود. ابتدا مبانی نظری تحقیق ارائه می‌شود. در بخش دوم موارد شکست بازار در حوزه آموزش بررسی شده و سپس روند بازاری‌سازی آموزش عالی در ایران همراه با تجربه دانشگاه شیراز تحلیل می‌شود در نهایت نیز جمع‌بندی و پیشنهادهای مقاله ارائه خواهد شد.

مبانی نظری

سرمایه‌داری^۱ قالبی برای سامان امور اجتماعی و اقتصادی جوامع است که در این شکل بازارهای جهانی به هم پیوسته‌ای پا به عرصه گذاشته‌اند و فعالیت‌های اقتصادی چون تولید، توزیع و مصرف کالاهای مختلف را کنترل می‌کنند. سرمایه‌داری در طی زمان شکل ثابتی نداشته است و بنابر ویژگی‌های مقاطع مختلف تاریخی الگویی تغییر و تحول پیدا کرده است، سرمایه‌داری تجاری، صنعتی، مالی از این نمونه‌های متفاوت هستند که در بسترهای زمانی و مکانی گوناگون پدیدار شده‌اند. مارکس در جلد اول کتاب سرمایه، سرمایه‌داری را چون «توده عظیمی از کالاها»

(مارکس، ۱۳۸۸: ۶۵) تعریف می‌کند. گسترش سرمایه‌داری با افول و فروغ همراه بوده است و در بسیاری مقاطع مختلف با رکود و رونق همراه بوده است، بنابراین سرمایه‌داری را بایستی قالبی خاص لحاظ کرد که شکل تاریخی و اجتماعی خاص است و همواره نظامی متمایز، با منطق خاص و تناقض‌های مختص خویش است و بنابر فرآیندها و دلایلی مشخص شکل گرفته است (مک‌سینز وود، ۱۳۹۶).

سرمایه‌داری در عصر مدرن شیوه تولید مسلط گشته است و توسعه و بسط آن باعث شده است فراگیرترین شکل اقتصادی در حال حاضر نیز باشد که تجلی اخیر آن در سازوکارهای نئولیبرالی در جوامع مختلف عیان است. این شکل را نباید فقط راهنمای اقتصادی قلمداد کرد که درباره قیمت‌ها و بازار و رفتارهای اقتصادی است؛ زیرا این مدل هدفی بلندپروازانه دارد و به دنبال تسلط بر کل جهان است که کل جوامع را تحت لوای خویش قرار دهد و امور اجتماعی را هم تحت تأثیر قرار دهد، «این دقیقاً یعنی اراده جامعه همچون ملحقه نظام بازار. به جای اینکه نظام اقتصادی در مناسبات اجتماعی حک شود، مناسبات اجتماعی در نظام اقتصادی حک می‌شود» (پولانی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). نئولیبرالیسم در جایگاهی است که امور اقتصادی و اجتماعی را تنظیم کند. دنیای سرمایه‌داری درصدد تولید کالاهایی مبتنی بر ارزش مبادله است، این ارزش در تقابل با ارزش مصرفی است که مبتنی بر مصرف کالاها بر اساس نیاز است. چنین خصلتی ویژگی بدیعی است و از همین جهان سرمایه‌داری نشأت گرفته است و هدف آن کسب سود است، «ارزش مبادله‌ای پیش از هر چیز به صورت رابطه‌ای کمی، نسبت، جلوه می‌کند بنابر آن، نوعی ارزش مصرفی با نوع دیگری از آن مبادله می‌شوند. این رابطه پیوسته با زمان و مکان تغییر می‌کند.» (مارکس، ۱۳۸۸: ۶۶)

کالایی‌شدن عنوانی است که چیرگی همین ارزش مبادله را عیان می‌کند، یعنی کالاها برای سود تولید می‌شوند و به نوعی همان روابط مبادله‌ای کالاها را نشان می‌دهد. بستر این ارزش نظام بازار^۱ است. چنین نظامی کالاها و خدمات گوناگون را به ساحت کالایی‌شدن می‌کشاند، «اقتصاد بازار نظام اقتصادی است که با قیمت‌های بازاری کنترل و تنظیم و هدایت می‌شود. سامان تولید و توزیع

کالا به همین سازوکار خود تنظیم‌گر محول می‌شود. این نوع اقتصاد از چنین انتظاری سرچشمه می‌گیرد که انسان به نحوی رفتار می‌کند که بیشترین سود پولی را بدست بیاورد» (پولانی، ۱۳۹۱: ۱۵۴). قیمت‌ها در نظام بازار گردش و مصرف کالاها را تعیین می‌کنند.

بازار، قیمت، نفع همگانی و نفع شخصی مفاهیمی مهم در عملکرد اقتصاد نئولیبرال هستند. این مفاهیم و حتی خود مفهوم نئولیبرالیسم در واقع رویکردی است که بعد از بحران در دولت‌های رفاه مبتنی بر نظریه‌های کینز پا به عرصه گذاشت. در کنار اینها مفاهیمی چون بازار، نفع شخصی و همگانی مفاهیمی مهم در مدل نظام بازار هستند (کلارک، ۱۳۹۵). نئولیبرالیسم چند اصل اساسی دارد، «۱- حذف حوزه عمومی / دولتی ۲- آزادی عمل کامل شرکت‌ها ۳- کاهش شدید هزینه خدمات رفاهی و اجتماعی دولت به حدی که از دولت جز اسکلتی باقی نماند» (کلاین، ۱۳۹۱: ۳۵). فریدمن چارچوب نظام بازار را بر این پایه بنا می‌کند که دولت بایستی مقررات و قوانین انباشت سود را تسهیل کند. همچنین دارایی‌های دولت کاهش یابد و به بخش خصوصی سپرده شوند و در نهایت نقش دولت در برنامه‌های اجتماعی محدود شود. این‌ها در واقع همان خصوصی سازی و حذف مقررات و کاستن از هزینه‌های خدمات رفاهی هستند (کلاین، ۱۳۹۱).

هدف اولیه نظام بازار تسلط بر دولت است که از این طریق بستر برای سازوکارهای نظام بازار فراهم گردد. بر این اساس مقررات زدایی در واقع اشاره به همین روند کاهش قواعد قانونی دولتی است تا سرمایه‌داران با میدانی کمتر دست‌وپاگیر انباشت ثروت را پی گیرند، «وقتی بازار به حال خود گذاشته شود و تحت حکومت لسه‌فر در آید، به منبعی برای ثروت و رشد، بنابراین قدرت دولت تبدیل می‌شود» (فوکو، ۱۳۹۱: ۸-۱۴۷). همین که بسترهای چنین نظامی مهیا گشت دولت در امور قیمت، مالکیت خصوصی، عرضه و تقاضا و خیلی دیگر امور بازار حق دست‌کاری و دخالت ندارد و همگی اینها به وسیله خود نظام بازار به پیش می‌روند. با وجود این می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌ها در پیدایی نظام بازار تأثیر گذار بوده‌اند، «... خود لسه‌فر را دولت به اجرا گذاشت» (پولانی، ۱۳۹۱: ۲۶۹).

دولت همچنین فعالیت‌های مرتبط با حراست و نگهداری نظام بازار را به پیش می‌برد، یعنی فن حکمرانی دولت اینگونه باید باشد و تنها زمانهایی خاص در امور دخالت داشته باشد همچون وقت‌هایی که چیزی با سازوکار نظام بازار همخوانی ندارد (فوکو، ۱۳۹۱). دولت در این مدل اقتصادی فعال است و با همین بسترسازی زمینه را برای ورود بخش خصوصی مهیا می‌کند. حذف یا کاهش خدمات اجتماعی و رفاهی از دیگر اصول بنیادی نظام بازار است. اشتغال، آموزش، بهداشت، مسکن، امنیت اجتماعی و خدمات شهری بخشی از این مقوله هستند که با نیازهای عمومی جوامع پیوند دارند. پیش از نئولیبرالیسم دولت در این ساحت‌های مختلف حضوری چشمگیر داشته است اما با چیرگی این مدل دولت درصدد کاهش نقش و عمل در این حوزه شد و اقدام محدودتری در دست‌یابی به آنها انجام می‌دهد، «فریدمن، در کتاب خود، خصوصی‌سازی عرصه‌های بهداشت و خدمات درمانی، پست، آموزش و پرورش، سازمان بازنشستگی و حتی پارک‌های ملی را مطرح کرد» (کلاین، ۱۳۹۱: ۹۶). بر این اساس خدمات رفاهی به ساحتی کالایی راه پیدا کرده‌اند و برای دست‌یابی به آن بایستی هزینه‌های آن را پرداخت نمود، چون تحت تأثیر ارزش مبادله قرار گرفته‌اند.

شکست بازار در حوزه آموزش

براساس سنتز ساموئلسن و دسته‌بندی وظایف سه‌گانه ماسگریو، اقتصاد بازار و تحلیل‌های منطقی نظام سرمایه‌داری در چهار حوزه تخصیص، توزیع، تثبیت و اقتصاد بین‌الملل شکست می‌خورد. در زمینه کارایی تخصیصی، عدم اطلاعات شفاف (انحصاری بودن اطلاعات)، تبانی به جای رقابت، فرار از هزینه‌های ایجاد اثرات خارجی منفی یا عدم دستیابی به منافع اثرات خارجی مثبت، به صرفه نبودن تولید کالاهای عمومی (مانند دفاع ملی و آموزش) با رجحان‌های پنهان و محدودیت‌ناپذیری مصرفی برای تولیدکننده خصوصی، باعث می‌شود که در نظام بازار کارایی نظام به هم خورده، تخصیص بهینه‌ای صورت نپذیرد.

در جدول (۱) ضعف‌های نظام بازار و موارد شکست آن ارائه شده است. بنابراین در این زمان دولت باید دخالت کند و میزان و اندازه دخالت دولت تا جایی می‌تواند باشد که نقص بازار مرتفع گردد و مجدداً اقتصاد به سمت کارایی هدایت و به مرز کارایی باز گردد.

در زمینه توزیع، با توجه به اینکه در نظام بازار توان پولی تعیین‌کننده تخصیص است، توزیع نابرابر درآمد، ثروت و فرصت‌ها نتیجه عادی نظام بازار است. کارگزاران اقتصادی انتخاب عاقلانه بر اساس حداکثر منافع خویش دارند (بر اساس بلوک چهارم تئوری نئوکلاسیک مصرف‌کننده) نه بر اساس منافع جامعه. بنابراین، هزینه فرصت ازدست‌رفته اجتماعی را برای انتخاب دیگران افزایش می‌دهند و از طریق انتقال منابع و محصولات به یک سمت معین و کثرت و تزاید آن (ایراد مارکس از سرمایه‌داری) شکاف درآمدی و ثروتی را افزایش می‌دهند. در واقع نظام بازار در مقابل اندازه حداقل رفاهی و مصرفی که یک فرد در جامعه باید از آن برخوردار باشد سکوت می‌کند؛ شاید در این نظام حداقل مرگ باشد، ولی در یک جامعه انسانی نمی‌توان چنین پاسخ داد. شایسته یک نظام انسانی است که هموعان خود را در حداقل قابل قبولی تأمین و تضمین نماید تا هم فرصت‌های ارتقا و پیشرفت را از آنان نگیرد و هم در یک نظام انسانی بتوان زندگی منصفانه‌ای را رقم زد. نظریه عدالت رالزی در واقع پاسخی به این ضعف نظام بازار است.

جدول (۱): شکست‌های نظام بازار

مورد شکست	حوزه شکست
تشکیل انحصارات	ضعف کارایی در تخصیص منابع
اثرات خارجی ^۱	
تولید نشدن کالای عمومی	
عدم تقارن اطلاعات ^۲	

۱. اثرات خارجی زمانی ایجاد می‌شود که فعالیت یک عامل اقتصادی علاوه بر اثر گذاری بر رفاه یا سود خود بر رفاه یا سود عامل دیگر اثرگذار باشد، بدون آنکه هیچ دریافت یا پرداختی بابت جبران آن اثر انجام پذیرد. اثرات خارجی مثبت و منفی فعالیت‌های اقتصادی سبب می‌شود که کالاهایی که تولید و مصرف آنها همراه با این اثرات است کمتر یا بیشتر از حد بهینه اجتماعی توسط بازار تولید شوند زیرا این اثرات در عرضه و تقاضای بازار که قیمت را مشخص می‌کنند وارد نمی‌شود.

۲. عدم تقارن اطلاعات به این صورت است که یک طرف مبادله در بازار اطلاعاتی دارد که طرف دیگر مبادله آن اطلاعات را ندارد. این شرایط باعث می‌شود که قیمت کالا یا خدمات بیشتر یا کمتر از هزینه نهایی تولید آن تعیین شود بنابراین بازار در تخصیص کارایی منابع شکست می‌خورد و حتی برخی بازارها نیز به دلیل عدم تقارن اطلاعات شکل نمی‌گیرد.

ادامه جدول (۱): شکست‌های نظام بازار

مورد شکست	حوزه شکست
توزیع نابرابر درآمد	ضعف در توزیع
توزیع نابرابر ثروت	
توزیع نابرابر فرصت‌ها	
نبود یک نظام حداقل اجتماعی و تأمین و تضمین آن	
بروز بیکاری اجباری	ضعف در تثبیت
بروز تورم	
بروز تورم‌های رکودی	
نبود یک برنامه مشخص برای رشد و توسعه	
وجود موانع تجاری بین کشورها	عدم توان هدایت سیاست‌های اقتصادی بین‌الملل
فقر دائمی برخی کشورها و امکان ایجاد فقر و نیاز به کمک ناشی از حوادث غیر مترقبه در هر کشوری	
عدم هماهنگی سیاست‌های کلان در کشورهای مختلف	
نابودی محیط زیست جهانی	

منبع: امیری و همکاران (۱۳۹۰)

در زمینه تثبیت اقتصاد نیز چون وجود چسبندگی در قیمت‌ها و دستمزدها به سمت پایین و انعطاف‌ناپذیر بودن آنها در عمل منجر به بروز بیکاری اجباری می‌شود و بحران‌هایی که ناشی از نارسایی‌های طرف عرضه اقتصاد و بازار کار است، همچون انتظارات قیمتی، دستمزدهای فزاینده و تورمی، بروز تورم و تورم‌های همراه رکود را امکان‌پذیر می‌سازد، بنابراین نظام بازار و دست‌نمائی آن نمی‌تواند سبب تثبیت اقتصاد شود. از طرفی عدم وجود برنامه‌ای برای رشد و توسعه در بازار و لحاظ قیمت‌های نسبی به عنوان بهترین تخصیص دهنده سبب شده برنامه‌ریزی برای تثبیت در اقتصاد بازار نه انجام و نه جایز شمرده شود و هرگونه برنامه‌ریزی را عامل بهم زنده رقابت بدانند در اینجا وظیفه دولت رفع این نقص و برنامه‌ریزی برای تثبیت و رشد و توسعه است.

شکست دیگر بازار در چهار حوزه از روابط بین‌المللی است. اول وجود موانع تجاری بین کشورها، دوم فقر دائمی برخی کشورها و نیاز به کمک ناشی از حوادث غیرمترقبه در هر کشوری، سوم عدم هماهنگی سیاست‌های کلان در کشورهای مختلف و نهایتاً نابودی محیط

زیست جهانی. شایان ذکر است این شکست بازار بسته به نوع آن در حوزه‌های مختلف بررسی می‌شود. با توجه به شکست بازار در این موارد حضور دولت در اقتصاد ضرورت می‌یابد. در جدول (۲) موارد شکست بازار در آموزش مشخص شده است. عمده موارد شکست بازار در حوزه آموزش مربوط به حوزه‌های تخصیص و توزیع است.

جدول (۲): شکست‌های نظام بازار در حوزه آموزش

مورد شکست	حوزه شکست
اثرات خارجی	ضعف کارایی در تخصیص منابع
تولید نشدن کالای عمومی	
عدم تقارن اطلاعات	
توزیع نابرابر درآمد	ضعف در توزیع
توزیع نابرابر ثروت	
توزیع نابرابر فرصت‌ها	

سیستم بازاری‌شده آموزش عالی نیازمند افزایش سهم حمایت مالی خصوصی و شهریه از دانشجوی در بودجه دانشگاه بوده و در نتیجه آن رقابتی شدید بین دانشگاه‌ها بر سر جذب دانشجوی ایجاد می‌شود. از این رو هجمه تبلیغات و بازاریابی دانشگاه را در خدمت فرامین بازار و استلزامات رشد اقتصادی قرار می‌دهد (Norris, 2006). به عبارتی اگر بازاری کردن آموزش ادامه یابد، آموزش بالقوگی استعلایی خود را از دست داده و با کارکرد بازار هماهنگی می‌یابد. بنابراین بازاریابی برای تأمین منابع برای آموزش، سبب تغییر ماهیت آموزش می‌شود (Gibbs, 2010).

در منطق بازار همیشه حق با مشتری است از این رو در دانشگاه بازاری‌شده، دانشجویان به‌عنوان مشتریان دانشگاه همیشه صاحب حق شده و از آنها در قبال کسب دانش سلب مسئولیت می‌شود و نتیجه آن ایجاد یک فرهنگ آموزشی تدافعی در فضای آکادمیک است. این مدل دانشجوی به مثابه مشتری به این معنی است که دانشگاه در آموزش باید تابع دانشجویان باشد. از این نظر آموزش با مدل بازار و پارادایم مصرف تناسبی نداشته و کالایی شدن آموزش سبب استحاله آن و کاهش استاندارد آموزش خواهد شد. در آموزش بازاری‌شده اهمیت مدرک بیش از خود آموزش شده و آموزش به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدفی غیر از خود آموزش بدل می‌شود.

بازاری‌سازی آموزش از جمله دغدغه‌های قدیمی فیلسوفان از جمله سقراط بوده و بحث جدیدی نیست. از نظر سقراط استادانی که به آنها پول دانشجو پرداخت می‌شود نه به دانش و خرد مردم بلکه به رضایت و خرسندی آنها اهمیت می‌دهند (میل^۱، ۱۹۷۸). از نظر سقراط رضایت دانشجو یک مفهوم غیرعقلایی است. چون فرایند کسب دانش فرایند حل مسئله بوده و الزاماً منجر به رضایت مشتری نمی‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا اگر سیاست‌گذاران آموزش عالی با نظرات سقراط آشنا بودند، آموزش عالی وضعیت بهتری می‌داشت؟ (Furedi, 2010).

گریتسن^۲ (۲۰۰۸) نشان داده که بر اساس شاخص‌های رتبه‌بندی جهانی دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های بازاری شده امریکایی کارایی کمتری نسبت به دانشگاه‌های غیر بازاری اسکانداوناوی دارند. او نشان می‌دهد در بین ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان، کشورهای سوئد، فنلاند، نروژ و دانمارک به ازای هر ۸۲۲ هزار نفر یک دانشگاه برتر دارند در حالی که این رقم برای دانشگاه‌های امریکایی به ازای هر ۱/۹ میلیون نفر جمعیت است.

دولت جهت پوشش شکست‌های بازار در آموزش راهکارهایی دارد که در جدول (۳) به طور خلاصه ارائه شده است. در خصوص تولید کالاهای عمومی، بدلیل اینکه این کالاها دارای هزینه‌های بسیار بالای تولید بوده و افراد زیادی به طور همزمان از آن استفاده می‌کنند بدون آنکه کسی فرصت مصرفی دیگران را از بین ببرد برای مثال آموزش دیدن یک فرد مانعی بر آموزش سایر افراد نیست. و همچنین رجحان‌های مصرف‌کنندگان در مصرف آنها پنهان بوده و نمی‌توان اصل برابری منفعت نهایی و هزینه نهایی را در خصوص آنها برقرار ساخت، بنابراین بخش خصوصی جهت تولید این کالا وارد نخواهد شد. در این زمان دولت وظیفه تولید آن‌را به عهده دارد. البته یک روش خصوصی تأمین مالی آموزش، بهره‌برداری از ظرفیت‌های وقف است که در طور قرن‌های متوالی از این روش نیز استفاده شده است.

جهت درونی‌سازی اثرات خارجی دو دسته راهکارهای دولتی و خصوصی وجود دارد که در هر دو دسته نقش دولت مهم است. در راهکار دولتی خود دولت بر اساس روش پیگویی با برقراری مالیات یا پرداخت یارانه این اثرات را درونی می‌کند و تولید آنها را به حد بهینه

1 Mill

2 Gerritsen

اجتماعی می‌رساند. در روش خصوصی کوزی نیز با تعریف و تضمین حقوق مالکیت و ایجاد امکان مذاکره بین افراد، بخش خصوصی اثرات خارجی را به صورت توافقی درونی می‌کند. البته راهکارهای خصوصی دیگری چون روش ادغام نیز وجود دارد. در حوزه آموزش مهمترین راهکار درونی‌سازی اثرات خارجی پرداخت یارانه به آموزش است.

در عدم تقارن اطلاعات وظیفه دولت وضع و نظارت بر قوانین و مقررات جهت علامت‌دهی و غربالگری در شرایط پنهان بودن اطلاعات در انتخاب نادرست و صدور مجوزهای قانونی برای برخورد با رفتارهای پنهان در مخاطره اخلاقی است. شفاف‌سازی اطلاعات در بازارها از وظایف دولت است از طرفی ارائه برخی کالاها و خدمات که در صورت وجود عدم تقارن اطلاعات بازاری برای این کالاها و خدمات شکل نمی‌گیرد، از وظایف دولت است.

جدول (۳): وظایف و ابزارهای دولت نئوکلاسیک در جهت برطرف کردن ضعف‌های

نظام بازار در حوزه آموزش

حوزه‌های ورود دولت	وظایف دولت	ابزارهای دولت
برطرف کردن ضعف‌های تخصیصی بازار	درونی کردن اثرات خارجی	روش دولتی: پرداخت یارانه به آموزش
	تأمین کالای عمومی	روش دولتی: تأمین توسط دولت روش خصوصی: تقویت بستر وقف به عنوان یک روش تأمین مالی خصوصی کالاهای عمومی
	شفاف سازی اطلاعات	انتخاب معکوس: الزام به علامت دهی، ارائه راه‌های غربالگری مخاطره اخلاقی: صدور مجوز قانونی برای برخورد
برطرف کردن ضعف‌های توزیعی بازار	توزیع برابرتر درآمد	سیاست‌های بازتوزیعی و حمایتی آموزش جهت ارتقای
	توزیع برابرتر ثروت	سطح آموزشی و افزایش بهره‌وری و در نتیجه کاهش
	توزیع برابرتر فرصت‌ها	نابرابری درآمد و ثروت

زمانی که این سازوکارهای قالب شوند تخصیص منابع مرتبط با آموزش به وسیله قیمت مشخص می‌گردد و صرفاً افرادی که توان پرداخت هزینه‌های آموزش را دارند می‌توانند از آن استفاده کنند که این از نظر اجتماعی مطلوب و بهینه نیست؛ به عبارتی دیگر، نظام بازار در بخش توزیع امور خدماتی آموزش کارایی بهینه را نداشته است و از این رو دخالت وی در این ساحت

ضرورت دارد، به سبب آنکه محور آموزش در جامعه از بعد توزیع عادلانه نیست و طبقات بالاتر آموزش متفاوت از دیگر بخش‌های جامعه را تجربه می‌کنند.

در این زمان دولت‌ها از طریق دو دسته سیاست به عادلانه کردن توزیع می‌پردازند. یک دسته سیاست‌ها ارتقاء فرصت‌های طبقات پایین و افزایش توان این طبقات است. از یک سو آموزش بانی گسترش توان و مهارت بخش‌های پایین جامعه می‌شود که در نهایت درآمد بالاتر را منتج می‌شود. در سوی دیگر، سیاستگذاری دولت در بخش بازتوزیع اهمیت دارد که از طبقات با درآمد بالا مالیات بستاند و در قالب یارانه و دیگر موارد پشتیبانی به دیگر طبقات انتقال دهد.

بررسی روند بازاری‌سازی آموزش عالی در ایران

چارچوب سازوکارهای دولتی بعد از جنگ را بسیاری از متفکرین با سازوکارهای نئولیبرالیسم تحلیل کرده‌اند (آبراهامیان، ۱۳۹۴؛ بهداد و نعمانی، ۱۳۸۷؛ مالجو، ۱۳۹۶). بودجه آموزش ذیل بودجه امور اجتماعی قرار دارد که اغلب در سال‌های پس از سیاستگذاری تعدیل ساختاری بخش آموزش با کسری بودجه مواجه بوده است. میزان بودجه در بخش مذکور از دهه هفتاد به بعد از ۵۲/۵ درصد به ۳۸/۹ درصد کاهش یافته است (منبع بودجه سالانه کشور). این در حالی است که تعداد مراکز آموزش عالی و تعداد دانشجویان بیش از دو برابر شده است.

همانطور که در جدول‌های (۴) و (۵) مشخص شده دانشگاه‌های زیر مجموعه وزارت علوم و همچنین دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و جامع علمی و کاربردی که عمده هزینه آنها توسط دولت پرداخت می‌شود به لحاظ تعداد حدود ۵۰ درصد و به لحاظ تعداد دانشجو حدود ۳۵ درصد دانشجویان کشور را شامل می‌شوند. این در حالی است که بخشی از دانشجویان همین دانشگاه‌ها نیز به صورت پولی تحصیل می‌کنند.

جدول (۴): میزان مؤسسه‌های آموزش عالی به تفکیک نوع وابستگی در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶

نوع وابستگی	تعداد	سهم از کل (درصد)
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۴۱	۵
دانشگاه پیام نور	۴۶۶	۱۸

ادامه جدول (۴): میزان مؤسسه‌های آموزش عالی به تفکیک نوع وابستگی در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶

نوع وابستگی	تعداد	سهم از کل (درصد)
دانشگاه جامع علمی و کاربردی	۹۵۳	۳۷
مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی	۳۰۹	۱۲
دانشگاه آزاد اسلامی	۵۳۰	۲۱
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	۱۷۰	۷
کل	۲۵۶۹	۱۰۰

منبع: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم

جدول (۵): میزان دانشجویان به تفکیک نوع وابستگی و جنسیت در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶

نوع وابستگی	زن	مرد	جمع	سهم از کل (درصد)
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۳۵۷۲۵۵	۳۲۹۷۸۱	۶۸۷۰۳۶	۱۸
دانشگاه پیام نور	۳۵۳۰۲۱	۱۹۳۸۶۵	۵۴۶۸۸۶	۱۴
دانشگاه جامع علمی کاربردی	۱۵۳۷۳۳	۳۲۰۰۶۵	۴۷۳۷۹۸	۱۲
مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی	۱۶۱۵۲۵	۱۷۷۸۰۰	۳۳۹۳۲۵	۹
دانشگاه آزاد اسلامی	۶۳۷۳۱۷	۹۱۲۷۵۳	۱۵۵۰۰۷۰	۴۱
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	۶۰۴۱۸	۱۳۶۸۸۷	۱۹۷۳۰۵	۵
جمع کل	۱۷۲۳۲۶۹	۲۰۷۱۱۵۱	۳۷۹۴۴۲۰	۱۰۰

منبع: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم

آموزش عالی در قالب شکل‌های گوناگونی امر آموزش را متحول کرده است، تأسیس مرکزی همچون پیام‌نور، دانشگاه غیر انتفاعی، دانشگاه آزاد، دوره‌های پردیس و شبانه و مراکز نیمه‌حضورى نشانی از این تحول است که همگی در راستای خدمات آموزش مبتنی بر پول فعالیت می‌کنند و سهم آموزش رایگان را اندک کرده است، در سال ۹۳ حدود ۷۲ درصد از دانشجویان بعد از کنکور به دانشگاه‌های شهریه‌ای ورود کرده‌اند و در سال ۹۴ این میزان بیشتر از ۸۷ درصد شده است (روزنامه وقایع التفاقیه، ۷ بهمن ۱۳۹۴). چنین سهم زیادی از آموزش که در قبال خدمات آموزشی پول دریافت می‌شود بر بستر همان ارزش مبادله در نئولیبرالیسم است

که کالای آموزش را به مشتری‌های ارائه می‌دهد، استراتژی دانشگاهی طرح می‌شود که با دانشجویان به‌عنوان مشتریان و آموزش به عنوان محصولات رفتار شود (لاورنس و شارما، ۲۰۰۲). قابل ذکر است که اعتبار آموزش عالی کل کشور در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان بوده که سهم آن از کل بودجه هزینه‌ای کشور حدود ۳، ۷ درصد است، این سهم در سال‌های گذشته حدود ۵،۵ درصد بود ولی با وجود افزایش مطلق بودجه نسبت آن کاهش پیدا کرده است (نظرپور، ۱۳۹۸).

تجربه دانشگاه شیراز

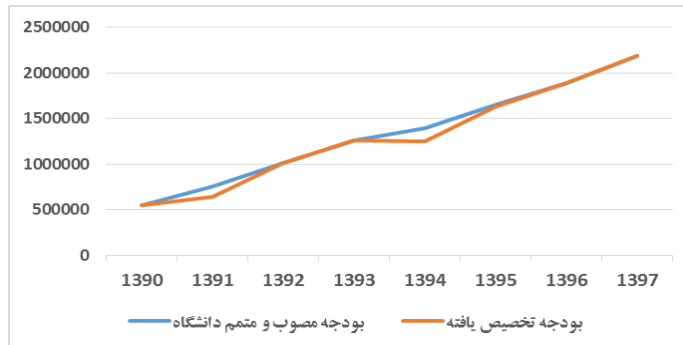
با تأسیس آموزشکده بهداشت در سال ۱۳۲۵ دانشگاه شیراز پایه‌گذاری شد. این آموزشکده در سال ۱۳۲۸ به آموزشکده بهیاری نمازی و در سال ۱۳۳۲ به دانشکده پزشکی تغییر نام داد. با اضافه شدن دانشکده ادبیات در سال ۱۳۳۳، دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۳۵ و دانشکده علوم در سال ۱۳۳۶ رسماً دانشگاه شیراز آغاز به کار کرد (سلیمانی و سلطانی احمدی، ۱۳۹۷). بودجه این دانشگاه عمدتاً از محل منابع مالی دولت و شرکت نفت ایران تأمین مالی شد. بودجه ابزار مستقیم سیاست‌گذاری دولت است و با تحلیل آن چشم‌انداز دولت روشن می‌گردد. بودجه دانشگاه شیراز در راستای توسعه فضای علمی طی سال‌های قبل از انقلاب همواره با رشد زیادی مواجه بود. مثلاً در سال‌های بین ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۱، رشد بودجه دانشگاه نسبت به سال ۱۳۴۱، به ترتیب ۲۷۸، ۳۳۹، ۵۵۱، ۶۱۳، ۷۴۶، ۹۲۶، ۱۰۱۱، ۱۱۵۱، ۱۵۳۵ درصد رشد داشته است. یعنی بودجه سال ۱۳۵۱ دانشگاه بیش از ۱۶ برابر سال ۱۳۴۱ شده بود (رستگار فسایی، ۱۳۵۱).

بودجه دانشگاه شیراز از دو بخش تشکیل شده است: بخش درآمد عمومی و بخش درآمد اختصاصی. درآمد اختصاصی حاصل از دستاوردهای مستقیم خود دانشگاه است و با توجه به اینکه جزء بودجه عمومی دولتی نیست از این رو در اینجا مورد تحلیل قرار نمی‌گیرد. درآمد اختصاصی از منابعی حاصل می‌گردد که به دانشگاه تعلق دارند و دانشگاه می‌تواند از آنان برای بخش‌های مختلف بهره ببرد.

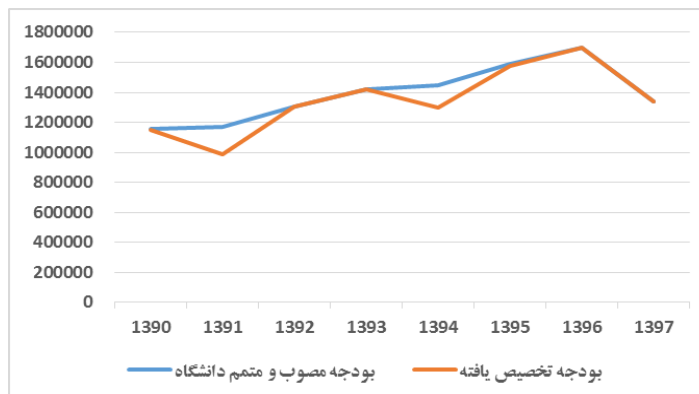
بودجه دولتی دانشگاه شیراز از سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند. انتخاب چنین بازه زمانی پانزده ساله‌ای برای روشن‌شدن تغییر و تحول بخش‌های مختلف بسیار مهم است. هر بخش در طی این مدت تفاوت‌های پیدا کرده است که در قسمت‌های مختلف به آنان پرداخته شده است. بودجه عمومی دانشگاه شیراز شامل دو جزء اعتبارات هزینه‌ای (یا همان بودجه جاری) و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (یا بودجه عمرانی و ساخت و ساز) است. در این دو بخش بودجه مصوب دانشگاه شیراز از طرف دولت همواره در طی سالهای مختلف به صورت کامل پرداخت نشده است، به عبارت دیگر؛ بین بودجه مصوب و بودجه تخصیص‌یافته همواره شکافی وجود داشته است. در طی سالهای اخیر می‌توان چنین روندی را به طور مجزا در هر دو بخش ملاحظه کرد. برای بخش اعتبارات هزینه‌ای در سال ۱۳۹۲ مبلغ ۱۳۱۱۵۱۹ میلیون ریال^۱ اعتبار تصویب شده است که ۱۲۸۳۸۴۲ میلیون ریال بودجه تخصیص یافته است. در سال ۱۳۹۳ نیز ۱۶۶۱۸۵۹ میلیون ریال مصوب شده که ۱۵۷۶۸۲۴ میلیون ریال به دانشگاه رسیده است. چنین کسری در طی سالهای متمادی ادامه پیدا کرده است. البته طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تخصیص بودجه جاری دانشگاه ۱۰۰ درصد بوده است.

در شکل (۱) اعتبارات هزینه‌ای مصوب و تخصیص یافته به قیمت جاری مشخص شده است. همچنین در شکل (۲) اعتبارات هزینه‌ای مصوب و تخصیص یافته به قیمت ثابت با لحاظ رشد شاخص قیمت‌ها مشخص شده است. اطلاعات نشان می‌دهد اگر چه بودجه اسمی دانشگاه طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ بیش از ۴ برابر شده ولی با حذف اثر تورم و لحاظ قیمت‌های واقعی در مجموع ۸ سال تنها ۱۵ درصد رشد داشته است و در سال ۱۳۹۷ با توجه به افزایش شدید قیمت‌ها، بودجه با قیمت واقعی دانشگاه کاهش داشته است.

۱. همگی مبالغ به میلیون ریال هستند.



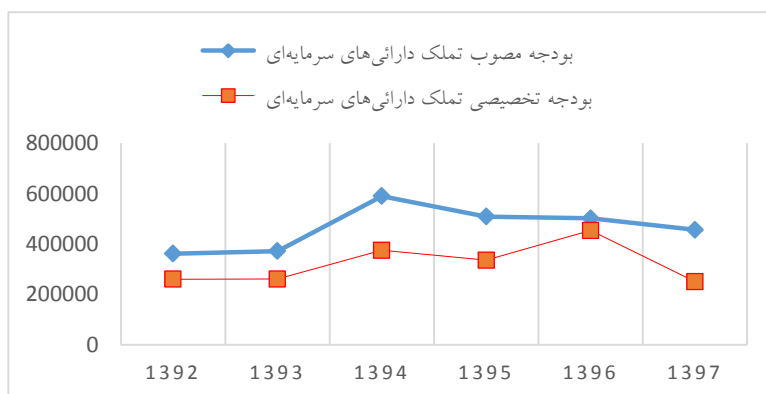
شکل ۱: اعتبارات هزینه‌ای مصوب و تخصیص یافته به قیمت جاری (میلیون ریال)



شکل ۲: اعتبارات هزینه‌ای مصوب و تخصیص یافته به قیمت ثابت (میلیون ریال)

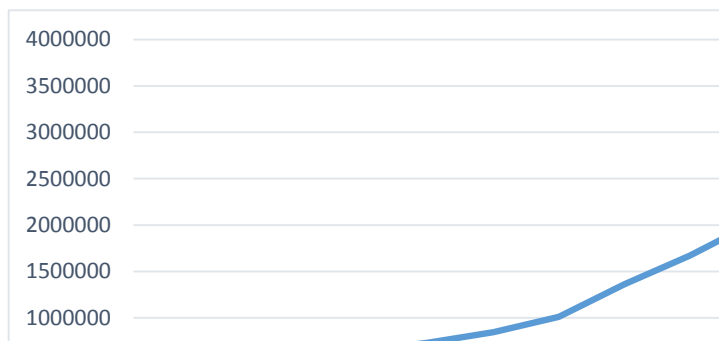
بخش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیز با چنین کسری مواجه بوده است. در سال ۱۳۹۲ مبلغ اعتبار مصوب ۳۶۱۵۶۵ میلیون ریال بوده است که ۲۶۰۴۸۵ میلیون ریال تخصیص پیدا کرده است. سال ۱۳۹۳ نیز ۳۷۱۹۴۰ مصوب بوده که ۲۶۰۸۶۴ اختصاص پیدا کرده است. در بخش مذکور چنین کسری با هزینه‌های جاری متفاوت است. در هزینه‌های جاری کسری بودجه وجود داشته است اما شیب افزایشی نمودار نشان می‌دهد که همزمان با افزایش بودجه مصوب، بودجه تخصیصی هم رشد داشته است. اما برعکس، در بخش اعتبارات سرمایه‌ای چنین روندی رشدی دیده نمی‌شود، یعنی با افزایش بودجه مصوب در این قسمت بودجه تخصیصی به شکل ثابتی روند صعودی نداشته است. در سال ۱۳۹۷ میزان ۴۵۶۴۴۰ میلیون ریال تصویب شده است

که ۲۵۰۸۹۱ میلیون ریال تخصیص یافته است. این اعتبار در واقع نشان می‌دهد که میزان بودجه سرمایه‌ای دانشگاه حتی از سالهای ۹۳ و ۹۲ نیز کمتر شده است.



شکل ۳: اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب و تخصیص یافته (میلیون ریال)

بنابراین کسری بودجه در دو بخش بودجه دانشگاه تأثیرهای متفاوتی داشته است و هزینه‌های سرمایه‌گذاری دانشگاه با چالش بیشتری مواجه بوده است. دانشگاه در بخش‌هایی که می‌توانسته سرمایه‌گذاری کند و فعالیت‌هایش را توسعه دهد از طرف دولت‌های مختلف محدود گشته است. اعتبارات تملک سرمایه‌ای در بخش فضاهای آموزشی و کمک آموزشی، فضاهای پژوهشی، تعمیر و تجهیز هزینه می‌شود. لذا بودجه دولتی صرفاً در بخش هزینه‌های جاری افزایش پیدا کرده است و دانشگاه برای قسمت‌های عمرانی، ساخت و ساز و ... محدود شده است. اگر چنین روندی را در محدوده زمانی بیشتری مقایسه کرد باز هم نشان از ثابت بودن بودجه بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است. از سال ۱۳۸۴ بخش فوق تنها رشد اندکی داشته است. شکل ۳ روند بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و کل بودجه را نشان می‌دهد.



شکل ۴: بودجه سرمایه‌ای و کل بودجه دانشگاه شیراز

شکل نشان می‌دهد که شکاف همواره در حال افزایش است و اگر بخواهیم بودجه مصوب سرمایه‌ای را نسبت به کل بودجه مصوب مورد مقایسه قرار دهیم، اعداد ستون دوم جدول شماره ۱ به دست می‌آیند.

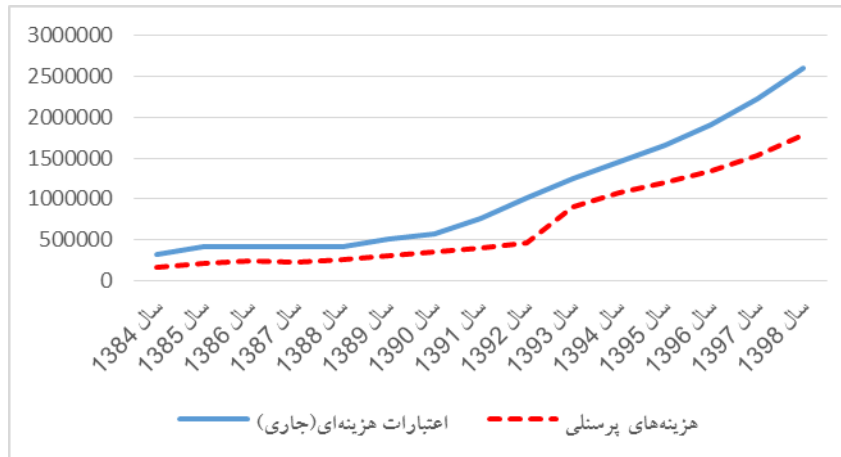
جدول (۶): درصد بودجه سرمایه‌ای به بودجه کل

سال	درصد بودجه سرمایه‌ای نسبت به کل بودجه	نسبت درصد هزینه‌های پرسنلی به اعتبارات هزینه‌ای (جاری)
۱۳۸۶	۱۸,۱۹	۵۶,۱۶
۱۳۸۷	۲۲,۰۰	
۱۳۸۸	۲۸,۳۴	۶۰,۱۹
۱۳۸۹	۱۳,۰۷	
۱۳۹۰	۲۷,۰۱	۵۹,۵۲
۱۳۹۱	۳۱,۹۳	
۱۳۹۲	۳۰,۹۷	۵۱,۵۰
۱۳۹۳	۲۴,۳۱	
۱۳۹۴	۲۳,۳۶	
۱۳۹۵	۲۱,۵۹	۷۱,۵۹
۱۳۹۶	۲۳,۵۹	۷۳,۷۲
۱۳۹۷	۱۷,۳۲	۷۳,۰۴

در سال ۱۳۸۶ میزان اعتبار سرمایه‌ای ۶۶۶۹۳ میلیون ریال بوده است که معادل ۱۸ درصد بودجه جاری بوده است. در سال ۱۳۹۰ نیز ۱۴۸۶۰۵ میلیون ریال بوده که معادل ۲۷ بودجه جاری دانشگاه است. این میزان هر ساله کاهش داشته است تا جایی که در سال ۱۳۹۷ میزان اعتبار سرمایه‌ای ۱۷ درصد نسبت به بودجه جاری بوده است. بنابراین از تقریباً نزدیک به سی درصد سال ۸۴ تنها ده درصد بودجه دولتی در سال ۹۸ به قسمت اعتبارات سرمایه‌ای کاهش یافته است. بنابراین کسری بودجه در بخش اعتبارات سرمایه‌ای بیشترین تأثیر را داشته است و با وجود افزایش بودجه کل این بخش هر ساله کاهش چشمگیری داشته است. چنین روندی حاکی از آن است که کسری بودجه بیشترین فشار را روی بودجه تملک دارایی سرمایه‌ای دانشگاه شیراز گذاشته است و توان توسعه برای بخش‌های آموزشی، پژوهشی و رفاهی کم شده است. چنین محدودیتی در بخش اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای از سازوکارهای سیاست‌گذاری دولت ناشی شده است و دانشگاه را تحت تأثیر قرار داده است. کسری بودجه به روندی ثابت در طی سال‌های متمادی تبدیل شده است و نشانه‌ای برای عدم اختصاص کافی منابع به آموزش و به طور خاص سرمایه‌گذاری برای توسعه آن است. لازم به ذکر است که بخشی از افزایش بودجه نیز بر اساس نرخ‌های اسمی بوده و بر اساس نرخ‌های واقعی با لحاظ تورم رشد بودجه بسیار کمتر است.

بخش اعتبارات هزینه‌ای بودجه شامل دو قسمت اصلی است. هزینه‌های پرسنلی و سایر هزینه‌ها. هزینه‌های پرسنلی شامل حقوق و مزایای کل کارکنان دانشگاه، عضو قراردادی، پاداش‌های پایان خدمت و حق‌التدریس اساتید مدعو است. سایر هزینه‌ها متشکل از هزینه‌های تحقیقاتی، هزینه‌های توسعه فناوری اطلاعات، هزینه‌های تغذیه دانشجویی، فرهنگی، رفاهی و فوق برنامه دانشجویی و هزینه‌های اداری است.

بخش هزینه‌های پرسنلی رشدی هم جهت با افزایش بودجه جاری داشته است. در واقع با افزایش هزینه‌های جاری هزینه‌های پرسنلی هم روندی صعودی داشته است.



شکل ۵: میزان هزینه‌های پرسنلی به اعتبارات هزینه‌ای (جاری)

در سال ۱۳۸۴ میزان ۱۶۱۲۱۱ میلیون ریال از ۳۱۳۹۵ میلیون ریال اعتبار دولتی صرف پرسنل شده است. این میزان در سال ۱۳۹۰ نیز ۳۴۳۶۷۲ میلیون ریال از ۵۷۷۳۱۲ بوده است. در سالهای ۹۵ و ۹۶ نیز به ترتیب عبارتند از: ۱۲۰۶۶۳۸ و ۱۳۴۷۸۹۴. داده‌ها حاکی از آن است که در طی سالهای متوالی سهم هزینه‌های پرسنلی از کل هزینه‌های جاری افزایشی بوده است. بنابراین با افزایش سهم هزینه‌های پرسنلی بخش بودجه جاری محدودتر گشته است. سهم هزینه‌های پرسنلی از سهم ۵۷,۷۰ درصدی در سال ۸۴ تا سهم ۷۰,۵۷ درصدی سال ۹۶ طی این دوره ۱۲ ساله افزایش نشان می‌دهد. البته در سالهای مختلف میزان آن نیز تفاوت پیدا کرده است و سال ۹۴ بیشترین میزان از بودجه جاری صرف حقوق پرسنل شده است.

در اینجا نیز چشم‌انداز دولت از جهتی دیگر آشکار می‌گردد. دولت نگاهی سیاست‌گذارانه اتخاذ نکرده است که توسعه آموزش مدنظرش باشد، به سبب آنکه کم شدن بخش سایر هزینه‌های جاری در طی این سالها رخ داده است. افزایش هزینه‌های جاری با افزایش سهم حقوق پرسنلی همراه بوده و بودجه سایر بخش‌ها محدود شده‌اند. این نشان می‌دهد دولت نگاه سرمایه‌ای به آموزش ندارد و کم شدن بخش سایر هزینه‌های بودجه جاری مؤید این چشم‌انداز است. تحلیل بخش‌های مختلف سایر هزینه‌های بودجه جاری همانطور که در جدول (۷) آمده این فرآیند را ملموس‌تر می‌سازد.

هزینه‌های تحقیقاتی در بخش سایر هزینه‌های بودجه جاری چند زیرشاخه مهم دارد، پروژه‌های تحقیقی، مأموریت‌های علمی، هزینه فرصت‌های مطالعاتی، خرید کتاب، نشریات و بانکهای اطلاعاتی و ملزومات آموزشی جزء این بخش‌اند که بودجه بخش‌هایی از آن مورد ارزیابی قرار گرفته تا تأثیر حجیم شدن هزینه بخش پرسنل مشخص گردد.

پروژه‌های تحقیقاتی در سال ۱۳۸۹ میزان ۲۰۱۴۵ میلیون ریال از بودجه را به خود اختصاص داده است. در سال ۹۳ این میزان ۲۰۵۷۹ بوده است. در طی سالهای ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ به بعد نیز به ترتیب ۲۴۴۸۴ و ۵۶۵۲۸ و ۲۹۹۱۱ است. نسبت ارقام با بودجه کل به قیمت ثابت و همچنین سرانه شاخص‌ها به ازای هر دانشجو در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول (۷): وضعیت بودجه برخی شاخص‌ها در دانشگاه شیراز (درصد/ میلیون ریال)

سال	پروژه‌های تحقیقاتی		فرصت مطالعاتی		خرید کتاب و ...		خدمات ورزشی، فرهنگی و ...	
	درصد هزینه از کل بودجه	سرانه هزینه به دانشجو	درصد هزینه از کل بودجه	سرانه هزینه به دانشجو	درصد هزینه از کل بودجه	سرانه هزینه به دانشجو	درصد هزینه از کل بودجه	سرانه هزینه به دانشجو
۱۳۸۹	۳,۹۰		۰,۹۶		۱,۵۰			
۱۳۹۰	۱,۳۱	۱,۰۷	۰,۴۹	۰,۴۰	۰,۵۱	۰,۴۲		
۱۳۹۱			۰,۴۲	۰,۳۰	۰,۴۲	۰,۳۰	۳,۰۷	۲,۲۰
۱۳۹۲	۱,۸۱	۱,۶۴	۰,۳۷	۰,۳۳	۰,۲۵	۰,۲۳	۲,۶۳	۲,۳۸
۱۳۹۳	۱,۶۴	۱,۷۰	۰,۳۰	۰,۳۱	۰,۳۵	۰,۳۶	۰,۱۱	۰,۱۱
۱۳۹۴	۱,۵۴	۱,۵۲	۰,۴۲	۰,۴۲	۰,۲۳	۰,۲۳	۱,۷۴	۱,۷۲
۱۳۹۵	۱,۴۸	۱,۷۲	۰,۳۱	۰,۳۶	۰,۴۳	۰,۵۰	۲,۰۷	۲,۴۰
۱۳۹۶	۲,۹۵	۳,۵۱	۰,۲۹	۰,۳۴	۰,۴۵	۰,۵۳	۱,۶۱	۱,۹۱
۱۳۹۷	۱,۳۴	۱,۳۵	۰,۲۹	۰,۳۰	۰,۵۱	۰,۵۲	۱,۶۴	۱,۶۵

پروژه‌های تحقیقاتی از سال ۸۹ تا ۹۷ روندی نزولی هم در نسبت با کل بودجه و هم در نسبت با بودجه جاری را تجربه کرده است. سال ۸۹ نزدیک به ۴ درصد کل بودجه در این

بخش بوده است که در سال ۹۷ به ۱,۳۴ درصد کل بودجه تقلیل پیدا کرده است. همچنین روند سرانه هزینه تحقیقاتی به تعداد دانشجوی، طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ کاهشی بوده و به ۱,۳۵ میلیون ریال در سال ۱۳۹۷ رسیده که کمتر از ۵ سال قبل از آن است.

در حوزه هزینه‌های فرصت مطالعاتی هم چنین روندی مشاهده‌پذیر است. سال ۸۹ مبلغ ۴۹۵۰ میلیون ریال از اعتبار دولتی به این حوزه اختصاص یافته است. در نسبت با کل بودجه سهم فوق ۰,۹۶ درصد است و در نسبت با اعتبارات هزینه‌ای ۲,۲۷ درصد است. سالهای بعدی روند کاهشی در نسبت با این اعداد ادامه داشته است. سالهای ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ به ترتیب این مبالغ اختصاص پیدا کرده‌اند: ۵۱۲۷، ۵۵۷۳ و ۶۴۸۱. مبالغ اختصاص‌یافته در جدول فوق میزانشان سنجیده شده است و در سال ۹۷ میزان آن ۰,۲۹ درصد کل بودجه بوده است و به نسبت هزینه‌های جاری ۰,۹۲ درصد شده است. سرانه هزینه فرصت مطالعاتی به تعداد دانشجویان نیز طی این دوره کاهشی بوده و به ۰,۳ میلیون ریال رسیده است.

قسمت دیگر هزینه‌های تحقیقاتی حوزه خرید کتاب و بانک‌های اطلاعاتی دانشگاه است. در این بخش همچنان فرآیند کاهشی ملموس است. در سال ۸۹ مبلغ ۱۴۳۷۵ میلیون ریال اعتبار هزینه شده است. سال ۹۵ مبلغ ۷۱۷۰ میلیون ریال بوده است. سال‌های ۹۶ و ۹۷ هم به ترتیب ۸۶۷۰ و ۱۱۵۸۳. سهم این مبالغ در جدول شماره ۵ محاسبه شده است. در این حوزه نیز در نسبت با بودجه کل سهم از ۱,۵۰ به ۰,۵۱ درصد تنزل پیدا کرده است. سرانه هزینه خرید کتاب و بانک‌های اطلاعاتی به تعداد دانشجویان اگرچه در سال‌های ۱۳۹۵ و ۹۶ افزایش یافته ولی در سال ۱۳۹۷ مجدد کاهشی بوده است.

اطلاعات تحلیلی به‌دست‌آمده نشان از آن دارد که زیر بخش‌های تحقیقاتی دانشگاه هر ساله سهم کوچک‌تری از بودجه نصیب‌شان شده است. به عبارت دیگر، با حجیم شدن بخش هزینه‌های پرسنلی بخش‌هایی همچون موارد فوق کوچک شده‌اند. دولت به واقع بیشتر هزینه‌های جاری دانشگاه را نسبت به هزینه‌های سرمایه‌گذاری پرداخت می‌کرد و در بخش هزینه‌های جاری هم ملاحظه شد قسم اعظم بودجه هر ساله بیشتر صرف پرسنل شده است. چنین روندی بیشتر نشان

می‌دهد که دولت نگاهی هزینه‌ای به آموزش دارد که فقط هزینه‌های جاری را بپردازد. غفلت از بخش‌های تحقیقاتی و کاهش بودجه آنان از مهم‌ترین تأثیرهای آن است.

بخشی دیگر از قسمت سایر هزینه‌های بودجه جاری خدمات رفاهی است. خدمات رفاهی مختص دانشجویان است. خدمات رفاهی دانشجویان شامل خدمات رفاهی (مواد غذایی سلف، کمک به ازدواج دانشجویی و ...)، خدمات ورزشی و خدمات مشاوره‌ای است. سال ۹۱ اعتبار بخش رفاهی ۴۳۵۹۴ میلیون ریال بوده است. بخش ورزشی نیز ۴۱۱۸ میلیون ریال سهم داشته است. سال‌های ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ سهم حوزه رفاهی به ترتیب برابر با ۵۱۸۳۶، ۷۵۰۴۶ و ۷۳۲۶۰ بوده است. البته این بخش عناوینش نیز تغییر پیدا کرده است و به چهار بخش خاص شامل تغذیه دانشجویی، ایاب و ذهاب، خدمات خوابگاهی و بیمه دانشجویی تقسیم شده است. در حالی که سال‌های قبل‌تر کمک‌های دانشجویی را نیز شامل شده است و در اینجا حذف شده‌اند. همچنین خدمات خوابگاهی در طی سال‌های مورد بررسی همواره صفر بوده است و هیچ بودجه‌ای در این بخش پرداخت نشده است. خدمات ورزشی هم در سال ۹۱، ۹۵، ۹۶ و ۹۷ به ترتیب زیر بوده است: ۴۱۱۸، ۶۷۳۲، ۶۴۳۲ و ۷۶۲۸. این ارقام و ارقام خدمات رفاهی در جدول زیر نسبت به کل بودجه میزان‌شان سنجیده شده است. اعداد حاکی از آن است که در بخش رفاهی دانشجویی هم میزان اعتبارات هر ساله کم شده است و سهم اندکی از بودجه به آنان اختصاص پیدا کرده است. خدمات رفاهی سهمش از ۵٫۶۸ به ۲٫۸۰ درصد کل بودجه کاهش داشته است. خدمات ورزشی و فرهنگی نیز از ۳٫۰۷ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۱٫۶۴ درصد در سال ۱۳۹۷ تقلیل یافته است. در بخش خدمات رفاهی دانشجویی بودجه افت محسوسی داشته است. سرانه هزینه دانشجویی به قیمت ثابت نیز طی دوره کاهش یافته است. ارزش این مبلغ به ۱٫۶۵ میلیون ریال به ازای هر دانشجو به قیمت‌های ثابت در سال ۱۳۹۷ رسیده است.

یکی از سازوکارهای دولت و برنامه‌های نئولیبرالی همین کاهش خدمات دولتی و به طور خاص خدمات رفاهی دولتی است. تأثیر چنین سازوکاری بر بودجه دانشگاه شیراز هویدا است به سبب آنکه از یک سو خدمات رفاهی هر ساله کاهش پیدا کرده است. از سوی دیگر هزینه‌های تحقیقاتی نیز محدود شده‌اند و دولت در این حوزه‌ها خدمات رفاهی و پژوهشی را

محدودتر کرده است. چنین سازوکاری در این حوزه‌ها نمودش عیان گشت و دانشگاه‌ها برای پوشش هزینه‌های آموزشی راهی دیگر را اتخاذ کرده‌اند که در راستای ضلع دیگر برنامه‌های نئولیبرالی است. خصوصی‌سازی آموزش و فروش آن در سالهای اخیر چنان فرگیر شده است که آموزش در قالب تأسیس دانشگاه آزاد، پیام نور، غیر انتفاعی و ... به مثابه کالایی پولی به فروش می‌رسد. دانشگاه‌های دولتی نیز با گرفتن مجوزهای دوره‌های نوبت دوم (شبانه) در صدد انجام این روند بودند. گرفتن شهریه یکی از اقدامات مهم برای کالایی‌سازی آموزش است. چنین روندی هم در دانشگاه شیراز طی سال‌های مختلف رخ داده است. سال تحصیلی ۸۴-۸۳ تعداد دانشجویان روزانه ۱۰۶۰۱ نفر بوده است، نوبت دوم هم ۱۸۴۵ نفر ورودی داشته است. نسبت دانشجویان نوبت دوم به کل دانشجویان ۱۴,۸۲ درصد بوده است. در طی سالهای بعد این عدد تغییر کرده است و روند رو به رشدی داشته است. (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸: درصد دانشجویان نوبت دوم (شبانه) به دانشجویان روزانه

سال	۸۴-	۸۵-	۸۶-	۸۷-	۸۸-	۸۹-	۹۰-	۹۱-	۹۲-
نسبت دانشجویان نوبت دوم (درصد)	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۹۰	۹۰	۹۱
	۱۴,۸۲	۲۴,۰۶	۳۳,۱۷	۳۵,۵۱	۳۳,۵۱	۳۵,۰۳	۳۳,۸۷	۳۰,۹۹	۳۱,۳۶

نسبت دانشجویان شبانه تا سال ۹۲-۹۱ به ۳۱,۳۶ درصد کل دانشجویان رسیده است. حتی تا ۳۵,۵۱ درصد در سالهای قبل هم سابقه داشته است. چنین روندی نشان می‌دهد دانشگاه شیراز هم مانند بسیاری از دانشگاه‌های دیگر نیز خصوصی‌سازی آموزش را برای جبران هزینه‌هایش در طی این روند اتخاذ کرده است.

کاهش بودجه تملک سرمایه‌ای، کاهش خدمات رفاهی و خصوصی‌سازی آموزش از دل سیاست‌گذاری بودجه‌ای دولت حاصل شده است. چنین روندی در طی سالهای مورد تحقیق در بودجه دانشگاه شیراز نشان داده شد که چنین بودجه‌ریزی بر پایه منطق سازوکارهای نئولیبرالی صورت گرفته است و در بخش‌های خاصی تحلیل شد که روند این ساز و کار آشکار گردد.

سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، افق ۱۴۰۴ را در زمینه پژوهش و فناوری اینگونه هدف‌گذاری کرده است: «برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی». چشم‌انداز برنامه راهبردی دانشگاه شیراز هم بر چنین مبنایی طرح‌ریزی گشته است، «مهم‌ترین دانشگاه جامع کشور با اعتبار جهانی در تولید علم و فن‌آوری و تربیت نیروی انسانی وارسته، متخصص و کارآمد در آموزش و پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای که نقش برجسته‌ای به عنوان مرجع حل مسائل اساسی جامعه دارد» (برنامه راهبردی و عملیاتی دانشگاه شیراز، ۱۳۹۴). اما تحقق چنین چشم‌اندازی با شاخص‌های بودجه‌ای اختصاص‌یافته در بخش پژوهش و تحقیق با چالش اساسی مواجه است. لذا تحقق چنین اهدافی سخت به نظر می‌رسند و لزوم توجه و نگاه دیگری را می‌طلبد که بنابر سیاست‌گذاری‌های دولتی در طی سالهای گذشته محال و ناممکن است.

جمع‌بندی و پیشنهادات

دولت در ایران از طریق بودجه مهم‌ترین ابزار را در اختیار دارد که سیاست‌هایش را پی‌ریزی کند. با توجه به اینکه از دهه هفتاد چنین سازوکارهایی در سیاست‌گذاری نقش ایفا کرده‌اند در نتیجه بخش‌های مختلف از آن متأثر گشته‌اند. در این تحقیق بر پایه چارچوب‌های نئولیبرالی تشریح شده و سازوکارهای آن در نسبت با دولت، بودجه دانشگاه شیراز مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آنها هم‌راستا با سیاست‌گذاری‌های دولت است.

روند بودجه‌ریزی دانشگاه شیراز با تحلیل بودجه دولتی نشان از آن دارد که دولت چشم‌اندازی هزینه‌ای به دانشگاه دارد و توسعه آموزش مورد غفلت قرار گرفته است. بودجه دو بخش دارد که بودجه سرمایه‌ای دولت برای دانشگاه شیراز روند ثابتی داشته است و تفاوت چشم‌گیری نداشته است. چنین روندی با احتساب کسری بودجه‌های هر ساله و نرخ تورم سال‌های مختلف مشخص می‌سازد دولت عزمی برای تقویت این بخش ندارد.

در بخش هزینه‌های جاری بودجه نیز افزایش بودجه با حجیم شدن بخش هزینه‌های پرسنلی همراه بوده است و سایر بخش‌های آن روندی کاهشی داشته‌اند. هزینه بخش‌های رفاهی و

تحقیقاتی به کمترین حد در طی سال‌های قبل سقوط کرده است. هزینه فرصت مطالعاتی، هزینه تحقیقی، هزینه‌های خرید کتاب، هزینه‌های رفاهی کارکنان و دانشجویان به کمترین حد تقلیل پیدا کرده‌اند و در طی سالهای بعد با چنین روندی ممکن است به صفر برسند.

بنابراین نسبت چنین تغییراتی فقط با سازوکارهای نئولیبرالی دولت مرتبط‌اند. دولتی که هدفش کاهش خدمات رفاهی و کم کردن خدماتش است چنین روندی را اتخاذ کرده است و قوانین لازم را نیز مهیا کرده که دانشگاه‌ها خود با فروش آموزش درآمدزایی داشته باشند. روند جذب در دوره‌های شبانه مؤید این امر است. مقررات‌زدایی، کاهش خدمات رفاهی و خصوصی‌سازی مد نظر دولت با چنین سازوکارهایی در دانشگاه شیراز پیاده شده است که بودجه بخش اعظم آن صرف هزینه‌های جاری شود. بنابراین روزه‌روز توان دانشگاه برای آموزش و تحقیق مؤثر کاهش می‌یابد. بودجه دولتی نشانی از نگاه سازنده دولت به آموزش ندارد؛ دولتی که بیشتر رغبت دارد هزینه‌ها را از روی دوش‌اش بر دارد؛ حتی هزینه‌های تأمین مالی آموزش به عنوان یک کالای عمومی با اثرات خارجی مثبت بسیار زیاد که از جمله وظایف ذاتی دولت است.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴) *تاریخ ایران مدرن*، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- ابادری، یوسفعلی؛ پرنیان، حمیدرضا (۱۳۹۴) «استقرار آموزشی مکتب نیاوران (تاریخچهٔ ایجاد نهادهای دولتی آموزش مدیریت و اقتصاد بازار آزاد)»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۲، شماره ۲، صص: ۱۷۶-۱۵۱.
- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۵) *اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی*، تهران: گام نو.
- امیری، هادی؛ شهنازی، روح‌اله؛ دهقان شبانی، زهرا (۱۳۹۰) *اقتصاد بخش عمومی*، جلد اول. قم: حوزه و دانشگاه و سمت.
- بیگم میرکاظمی، رقیه (۱۳۹۷) «کالایی شدن آموزش در ایران و تفسیر باژگونه از سیاست‌های نئولیبرالی؟!»، سایت صدای معلم.
- بهداد، سهراب؛ نعمانی، فرهاد (۱۳۸۷) *طبقه و کار در ایران*، محمود متحد، تهران: آگاه.

- پولانی، کارل (۱۳۹۱) *دگرگونی بزرگ*، محمد مالجو، پردیس دانش.
- جلالی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۵) «چند اتفاق که به «کالایی شدن» علم در دانشگاهها ختم شد»، سایت ایران آنلاین.
- جونز، و. تامس (۱۳۸۸) *خداوندان اندیشه سیاسی*، علی رامین، تهران: علمی و فرهنگی.
- خبرگزاری ایسنا، «دانشگاه‌های ایران به روایت آمار و ارقام»، ۹ خرداد ۱۳۹۷.
- رستگار، منصور (۱۳۵۱) *دانشگاه پهلوی در نخستین دهه انقلاب*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، «۸۷ درصد دانشجویان در دانشگاه پولی تحصیل می‌کنند»، ۷ بهمن ۱۳۹۴.
- زمان‌زاده، حمید؛ الحسینی، صادق (۱۳۹۱) *اقتصاد ایران در تنگنای توسعه*، تهران: نشر مرکز.
- سینزوود، امیک (۱۳۹۵) «ضد اروپا مداری اروپامدار»، ترجمه صادق فلاح‌پور و علیرضا خزایی، ویسایت نقد اقتصاد سیاسی.
- صادقی بروجنی، خسرو (۱۳۹۵) «پولی‌سازی آموزش و «حق» زدایی از شهروندان»، مجله هفته.
- فوکو، میشل (۱۳۹۱) *تولد زیست سیاست*، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: نی.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۴) «مک دونالدیزه شدن دانشگاه» مصاحبه با مجله فرهنگ امروز.
- کریمی، جلیل (۱۳۹۳) «صنعت آموزش (تحلیل انتقادی از آموزش و پرورش)»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص: ۴۰-۲۵.
- کریمی، جلیل و همکاران (۱۳۹۸) «سیطره نظام بازار بر نظام آموزش عالی ایران»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۶، شماره ۱، صص: ۳۸-۹.
- کلاین، ناومی (۱۳۹۱) *دکترین شوک*، ترجمه مهرداد شهابی و میرمحمد نبوی، تهران: آمه.
- کلارک، سایمون (۱۳۹۵) «نظریه نولیبرالی جامعه»، ترجمه علیرضا فدائی‌پور، وب سایت نقد اقتصاد سیاسی.
- لاک، جان (۱۳۸۸) *رساله دوم درباره دولت*، ترجمه شهرام ارشدنژاد، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- مارکس، کارل (۱۳۸۸) *سرمایه*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگاه.
- مالجو، محمد (۱۳۹۶) *سیاست اعتدالی در بوتۀ نقد اقتصاد سیاسی*، تهران: نشر لاهیتا.
- مالجو، محمد (۱۳۹۴) «کالایی شدن آموزش»، سایت اقتصاد سیاسی.
- مالجو، محمد (۱۳۹۵) «برنده‌ها و بازنده‌های کالایی‌سازی آموزش عالی در ایران چه کسانی‌اند؟».

- وبسایت نقد اقتصاد سیاسی.
- محدثی، حسن (۱۳۹۷) «دانش‌گاه به‌مثابه بازار: پی‌آمدهای تجاری شدن فزاینده آموزش عالی در ایران»، وبسایت انگاره.
- نظریور، محمدتقی (۱۳۹۸) «بودجه آموزش عالی کشور ۳، ۷ درصد بودجه هزینه‌ای کل کشور است»، در سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کد: ۴۹۶۶۸.
- اسناد
- برنامه راهبردی و عملیاتی دانشگاه شیراز ۱۳۹۴.
- بودجه سالانه کل کشور.
- Foskett, N. (2010). Markets, government, funding and the marketisation of UK higher education. In *The marketisation of higher education and the student as consumer* (pp. 39-52). Routledge.
- Furedi, F. (2010). Introduction to the marketisation of higher education and the student as consumer. In *The marketisation of higher education and the student as consumer* (pp. 15-22). Routledge.
- Brown, R. (2010). The march of the market. In *The marketisation of higher education and the student as consumer* (pp. 25-38). Routledge.
- Barnett, R. (2010). The marketised university: defending the indefensible. In *The marketisation of higher education and the student as consumer* (pp. 53-65). Routledge.
- Gibbs, P. (2010). Adopting consumer time and the marketing of higher education. In *The marketisation of higher education and the student as consumer* (pp. 66-77). Routledge.
- Norris, T. (2006) 'Hannah Arendt and Jean Baudrillard: pedagogy in the consumer society', *Studies in Philosophy and Education*, 24: 457-77.
- Mill, J. S. (1978) 'Grote's Plato', in J. M. Robson (ed.) *Collected Works of John Stuart Mill*, vol.11. Toronto: University of Toronto Press.
- Gerritsen, J. (2008). The Real Shanghai Jiao Tong Winners. *University World News*, 31.